

دروزنى د علم ارتباط د ژوندا نه

لہ عالم سرہ

خود ره خواب صحیح ندی . گنگسره له دی یه
دیوری ادمانه متوازن (۳۴۰-۳۵۰) گرمه
او دینهش (۴۲۰-) گزنهش یا هم دسترسی
تسلط خوبیم اوین هیشکله تسلط زیارات
ندی . خود ره مطوفت اعصابی - تبیت مفهوم
خشنی دی ؟ یرو جیاتو کنی لولچه دماغ
دینه دیورتیوبلو او، اعصاب پیچیده، اداره اداری
اعمال امر کر او دنگاره اوضاع است تبدیله ای و خواری
او قیسی مشهودات اومنه مهات یکنی خونندی
کنترلی هر گله ای دیکنده دیورتیوبلو او، اعصاب پیچیده کر
یعنی سلام ماغونه دینه دمنکه اهنا لو او غیر
ارادی او غیربری اعطا شدی دی وله کله
هدف اغ ای ای ای همانسان کنی بینی دلیل دی
جه دده آرادی مرآ کر خورا مهم دی یا یه بیل
عبارت زیارتی همیوانی غیربری حالت خفه ای بری
او تکری ای او، ای ای طلاق همراهی کنی
هر گله ای ددماغ غمجه همراهی ای ای همانسان کنی
۵۵۵۰ ماقاطی دمعن، ازد آرادی مرآ گرو
د ترقی، تما شده وی هم خود فایده دی
هویتیار توب مسلسله سی تعلیم او تعلم تاریخ نه
ددماغ غمجه دلیل ای ای کله ای فایده همانسان
کنی دده یه زده کره تلقی کنی ای اوس
دو زندانه دعلم به دو هم حقیقت بیل کوو، او
او همه نست تور جیوانانو همانسان دود کنوب
در زمانی له او زدوانی خنده مطلب دی همیوان
شناشی کنی او اوجه جو اند «آمد» به
نامه بوه ساول چه ترا کر دو جو ای ای تو تیت دی
دو بیش لایلوه تو لینه مثل کوی ای همی و آمب دوی
فرمی کنی ای همیور خنده نمک آجیست کرفی
او بوزی بیوش دجدیده بیا لولاده آسب او
یعنی ای آجیست تی میانج همیخ تو بیز نه بیل
کنیزی یعنی دغه زناده کنی هیشکله بیل
شر «کنی توی همیوانی در ۹۰ کنی همیحو»
چه مملو ما تجا صل او سخن و کو و کو و کنوب
زمیه نی هتو ته او زد بزی استور کله چه
انسان به بازه کنی پور عیش او سخن و کرو
و با ویچه دده دود کنوب زمانه شر گردی جیوانانو
خوار ایز دیتی دی ای ای دود کنوب زمانه
دیبا و دود ایکر ایو عقده ای دکله او دهندی طافون
له کله دیجتو لپاره ایلس کاله او دعل کانو
لپاره بیوست کله ده، خر زر زر دیبا و دیبا و
یوهانه بیاند ای
جهه دیوی بیزی، تر شاره همی بی خی بودی
دی دود کنوب یه میالت کنی وی، یعنی تر شوچه
شیز دینه و پیشو کالو نشی لاملاک وی
اویس و گورو چه دده ته حقیقت مفهوم، شه شی
دی او دور و زنی تعلم سره شه راهه ای
دندیه دهنده ته بیل کنی ده کنی ده
خواب سیو جه دیوری بی دی ده علکت یه ده
لئه، مده گلچی چهار دیور کله ای همایوز
نکوی کولی شی چه دخیل غیر بیو او، اعصاب
لویه بیت خنکه چهاری سری تی به کاراچوی
دی نیمه همی بیکار داهوی، یعنی له دده مدنی
شیز دوسته بیه دنور دله بیم سته شنکه، کولی
شیز چه خبری او، کری ای ده که و شوری، او
و کنکه ده

ما آنچه این کشله مترادف چیست؟ و این خطا طولانی خاک و غبار که بیش می‌اید؟ آن
نهندگی شد و تائیکها هستند. از ساقه شلی دوری بوازات خط‌ها مرکزت می‌نمایند.
دقتاً باران گلوله به طرف می‌بارد اما آنها در کلیه صفت‌ها آمر و آنچه از اثاثهای این‌بلی
زیریک و هم در سرکت هستند، اینکه ناسکها و ما واقع می‌باشند. بسیار چکفت آ و ر است.
حتمالاً موجود می‌ایجاد اخراج هستند. اما این گلوله‌ها؟ صدای خشک از یک درخت که گذاشته
دوسر ازمن واقع اصلت شنیده می‌شوند. اینکه یک گلوله بیکر که نسبتاً دورتر ازمن گذشت.
آنچه آتش شدید و قیکت ها و ماسکیندارهای همه بقایات می‌داشند. ملقمقابل تایک کمی
بعان حکیمت احساس می‌شود. اما آنچه را که یک لحظه پیشتر «باران گلوله» خوانید در
بهلوی آنچه جا لا می‌سند حکم باز پیچه را دارد. انسان تصور می‌کند که هر اثاثی
یک ماسکیندار در تصرف خوددارد؛ بیوی موقع نگاهده و ملعون نیستند؛ اکثر به افرادها
از سر چراحت بر داشته‌اند. جایی حریف زدن هم نیست. همچنان آنچه آنها نیست
پس شلیک فلیق نیست. خوشبختانه که پاکیها بخطاب خودرویی و حمله نیزه‌های
ساعت هفت آرامشی و دمیده. روزی هر ره از یکد که بسیار دور بوده اینها زودیکه هر چیز
خاصله می‌ازیچ ناشیش سپتیر «ووه» معبر و حین برداشته می‌شواند. از جمله بیست و یک نفر
سر بازان دلاور خود را بهاره درود و هدیت رشیم دارند. شلیک کمی که اینها در یک کوت
نامامونی واقع بودند. یکلمون ایست که کوشش می‌کنند. زورا ساکن و خون مرد جلوه دهن
به مجری‌خین دلدار بهائی می‌نمایم. اوراق مرده هارا گرفت و کنادا به فومندان نسلیم می‌دهم.
نومندان هم سنجای تیره دارند.

یازین آمده گونه ها کشیده میگردند
طریق شفیر بکار برده تصفیه ایش
سود و آبدون را که ملخت گردد من
اما در حالیکه دهن باز بوده وزبان تاحد
از کام دور گوده بیشترستی هروقت
هم یک مقدار از یاد هوا باقی مانده و
از حلقوم میگذرد.

در صورت دوم گویه هم منطقه گز
وزبان برای آنکه بکام پیش از اساطیع
درین قرست روزنه راهی مسدود بوده
منجره طوری باز است که کوچک تر بر
تفیی درین حفره کوچک خلا تولید می
اگر در این موقع ابها کمی باز گردد
هوا به آواز خفیف صورت میگیرد و
برخلاف ابها راوی سطح جامدی چیز
باشد شایسته به مکین ن باز کنم میرساند
مبوب این آنکه ریباره سلاده را بعمل بوس
که لبها چلدرا بظرف خود کشیده و به
آواز مخصوصی زده میگذد شبیه نموده به
اینکه اینها راوی سطح جامدی چیزی
درین ما یعنی فروزده شود یک مقدار
آنرا در اثر تنفس سلامت داخلی زبان و
عناید که این آنجا در هلقه ریباره
میگردد و چون اینها از راوی مایع دور ن
است بنا بر آن ممکن نمود خود ادامه داده و
عمل نازمانی ادامه می باید که شاهو
ازین خود سلارج پنهان نموده و میعدله آمد
و اینکه نه بنا کفته نهان میشی
طریق نوشیدن راه کمپ میلقوم مکین صورت میگیرد
برآمد کی حلقوم باحرکت و پلندشدن مو
خود تنظیم می شاید بالا خود شخص طی
می نوشید که گویا مشروب را در ظرفی می
وقه هملاخی که بخرج می دهد بالندش
آرایش شلاقی میگردد.

نتایج این طرز نوشیدن صحیح و
قرار خوب است

- ۱- هوا نفر یا همیج بلطف نمیگردد.
- ۲- چراغ های کوچک مشروب کامپ
را بکام تر کرده و رفع علائم پتوین
صورت میگیرد.
- ۳- نفعه های برجهسته راوی از بان را
مشروب زدا بکام چسبانیده و احساس خود
کاملاً خوبی انجام میمهدند درحالیکه
بر جستکن های راوی زبان درین مدر جلو
آرایش بلندبوده و جرمه های متول از راوی
میگردد و فرست دائمه نمودن را ندارد
طبعی است که فر قدر ذاتی مشروب محسر
گردد لذت نوشیدن فرید میگردد.
- ۴- بط نوشیدن صحیح و خوب مشر
بنقدار سیار کمتر فرید گردد که راوی به
طبق عذر چشم از میگردند

هر چند این میگردند که طریق غذا خوردان
ما صحیح نیست اما باصف آن که در این
در این طرز میگردند این که همان این میگردند
لیکن گذشته از سرف خدا نوشیدن ما که به
مراتب از آن مهم تر بوده و اهم وی میگذرد
او آن خلطات بزرگی در بردارد سراب از
نادرست تر صورت میگردد.

شام سرو ایات همچو صبح آب میتوانند
لیکن انسان طوری که لازم است آب تهیتو شند
و این بسیوطه دو جز است - (اول) وضع
ایستادن - (دوم) - مهارت هستیها ایسا نهای
اول که حالت انسانی سهروزی گین دارد
راست ایستاده نمی شوند و برای نوشیدن و رفع
تشکی روی دست ها و ریاهای خوبی در آنکه
نور و را و دخانه در از کشیده مانند اسی و را
که آب می نوشیدند.

طریق صحیح نوشیدن طوری که تا حال درست
گردیده است می باید به ترتیب صورت میگیرد
که تا حدود ممکن مقدار کم هوای امشرب باید گردد
در میانه و ادامه در لحظه طبعی این مقدار
غاز موجود است که قشت بزرگ آن در اثر
بلع حاصل می شود، همین غاز است که قدر ازا
ز هیری گردد راهه از این بازمیگذرد از
هقس فشار آورده از شدت تھا دم
می کسما هندوز و ایاز امسد و
بسازد لا کن اگر مقدار زیاد هوار یاری لمع
ناعیم هوای بزرگ کور بکشیار زیادی توکید
نموده و نه تنها حرکت دورانی را برهم میزند
بلکه باعث اختلال هضم گردیده شخص را
معده درد میسازد و جدارهای دستگاه
داخلي ها می بخشد آخر اینساعت می تاید.

خلاصه نوشیدن دو صورت دارد :

- اول - در حالیکه دهن باز بوده و سر
بعلق عقب خم شده باشد تمام مشروب طرف را
در دهان خود خال کردن.
- دوم - در این ایمه سر بطرف شاوه راوی
طریق خم شده باشد و مشروب ازین لیسا
کش گردد.

در صورت دوم آرایخ خلیلها بجسم چیزی
میباشد و صورت دو می آن بختر میباشد
بر گر دیم باشکه آیا از نعله نظر د آنبرو
غازی چه واقعه صورت میگیرد، برای فرو
بردن مشروب بوسیله قوه نقل معبر ای دهن
تاجده ممکن بزرگ آن که در این میگردند
میگردد و سطح یازین دهان بتواند خود

یازین تد بیقات امید است که از این
قوه امتناع که داخل قاره میگردد فقط یکبار از این
احصه و این هودات گزده در الای قلم
تماس پیدا کند و با این آن ساختن داخلي
فلز را واضح سازد.

برای بدست آوردن این مقصد غیرورتی
یک اسلم که قوه امبه را باید برد و آن
بر رویکه و تکین ساخته شود ور انگلستان
چنین یکت ما شین و تکین ساخته شده بود
که برای آن ۱۰۰ کلیوات قوه برق داشتی
کار بود (برای مثال متعون گفت که برای
ما شین برمه کردن تخته های فلزی کوچک
کار خانه ها نسبت میباشد فقط نیم کلیوات
رق کار است).

سر بازابنک، باحر من و اشتیاق تمام به این صحبت گوش میدادند، جمله آخر را می‌شکلند و بسرعت می‌گذارند. حالا یک کمی بیشتر نفس گشته به میتوانیم، و سرگفت ما کمتر
مشهودات اجرایی شود.

اینک در چنگل رسیدیم. آشیزها کوشنهای گوساله‌ها که هر یکی بدهست آورد
و باره‌های آنرا خوب برداشت بودند در آتش سرخ می‌گذشتند. اینک او این غذائی است
که قریب‌آمده آسوده کی صرف عجیب شود. حالا کمی هم استراتح لازم است از
خیز، یا بد پلخر کت کنیم. از چنگل برآمده و داخل میدان باز بیشیم. داینج
توقف کنید، و اسلحه اوتوماتیک را آماده سازید. که فوج‌مندیان هزار یا هزار روسالی را
پیش خود می‌خواهد. موضوع ساده است، باید حمله خواهند کرد و باید مقاومت شود، د
حقیقت پیش ازین چیزی فهمیده شده است. در هر حال این انتظا
رسیار بطور علی‌الخصوص اولین سوتها گوش می‌رسد، رسیار دور هستند. اما هدف آنها
ما اینی‌باش و دطوبیگانه است که در حیث موضع گرفته، طوبیگانه هم شنوه خود بیوار
برداخته و لک گوشست بر شوری آغاز می‌یابد. شاید این و شععت یا ای ماضیره غریب تر نباشد.

پاکت «ام» اینلک تویت ماهم رسیده است. ساعت هشت بیست و گلوامه هشتاد و پانز است که بالای سرمه اتفاقی میکشد.
از روی ازدحام ویرباریکه در اطراف ما موجود است. فوبیده متواترین که تمام فر
به قابلیت خود آمده است.
ضریبان قلب ما خیلی سریع است. تعجب است که طیارات درین چنین اشتراک نکرده اند.

ارجحان علم

برای سنجش کردن وقت بسی میباشد
که میتواند در این مدت مخصوصاً ملاقات
از افراد وقت خود در ازازی مرغت نشینند
آب پر سنجش میباشد اما امداد حالت موجوده
میگیرد اما این مطلب را مختصین
نگرفته بودند گوشت نخ نای گوسرعت فو
در سر کت میباشد بالکل فورم و شکل
شند و بیک داشته دور و خلیف ملاحتاً
از نقطه نظر دینه‌هاشی عدم حضرة تا
چیزی مشکل است و اگر سخن به هزار
تابه میرسد کار دید ماراز باشد ترمه
وقطعاً از تشدیص آن خالیز من مانند
عملایات ملی نه جهیز تایی را کاری می‌نماید
ماچه باید میگردیم و این سرعت چه طور
خواهد بود در این ملحوظه تابه
یعنی در که و گله یک ملیمتر
طبی میگذرد این سرعت یک ملی‌متر هر
دو بی‌دور می‌رساند (کسری) ماشین
علوم اتفاق دشواری داشت امده و
اچرا آت آنها من می‌توانند بیزی توپ
چند سال قبل در بیرون رستی ماشین
وندقیقات آن اسکادنیک چودا کو
شیعه ایکسپریز خود هدایت داده بود
چندین حضرة ماشین هادرزی تدقیق فرارد
کارهای کثیرین امدادت بر آن حضرة وز
من آیده حسب نتیجه این تدقیقات نا
خواست ملکوم گند که کدام حضرة
هز و دز سائیده گردیده و کهنه میشود
در زمان ایکه بیشترین سرعت قریب در
هر کیمی کرده و با برگشتهای این
زیاده تحولات و افع میگردند هر کجا
کامل در گذشتوں گردند این حرکت
ماشین ها بدست می‌آیدیں درامور
گردن ماشین و استعمال گردن اقسام
تحولات تاییده شده بیان خواه
و ایه این نتیج بیانی سنجش
نظری ماشین ها معاونت فوق العاده
خواهد توانست
در جریان چندین سال تجربه
ساخته اند داخلی فلزات توسعه می‌باشند
و تکنیک خلیلی بیشترت گردیده اثر این
گرفت لازمه تغیرات لازمی فارا
استعمال و گویند و بست آمد
روز و کنار و ماده ایت شو از
داده شده بود که در تقدیمات که تو
و تکنیک بدل می‌آیده تغیرات لازمه و
آورند لذا برای انجام این مقصد
باید و ضرورت تأثیر اشته من کور و
و انجام بر سازند
این عملایی جوان با دیگر مدد
کرده ارض در یک جبهه خاکرههه یعنی
علمایانکه چون تکنیک را کار میکردند
این اعلان اول ایلانی تقویت نمودند شطر
کلارا کنکه در چون هر سلحه جهاد
عکس گیری آن نیز کلار میدادند
دیده شود که در زمان هر کس گیری
ولید مدارد
برای سنجش کردن وقت بسی میباشد
که میتواند در این مدت مخصوصاً ملاقات
از افراد وقت خود در ازازی مرغت نشینند
آب پر سنجش میباشد اما امداد حالت موجوده
میگیرد اما این مقدار نزدیک
حدسال قبل یکی از استادان ساعت سازی شهریار پس
گفته بود که سامت خود داساز او افتخار کرد و
هم صحیح نز کار میگردند و او گفت بود
دانه ای و قلت را غلط نشان میدهند
این استاد جمله فوق را در مارک تعازی خود
تعریز کرده بود حق هم داشت انتساب گردید
شمارور برای میمار وقت مثلی که گذشگان
آنرا معابر قرار داده بودند در وضیعت آمروز
چیز دیگری است چنان که گذشته گان ما
نیبد استند گذمین پژوهشور خود یعنی آقایان
غیره ای دلخواه زدن است
سنجش کردن و در نظر گرفتن این مطلب
برای گذشگان ماجهدهان امدادت نداشت هر
که آنها در دنبای نیستند می‌شوند
امور به آه میگذرد چون داشت و نظر با این
در ساعت های ریگی و آیی آن عصر حتی تقسیمات
 دقیقه هم وجود نداشت اما با امکنی در ساعت
های پیغمبر ما هرچه بشایعه گردید خود را
اشغال کرده وجز ساعت های حساب می‌رود
اگر کون روغ مادریک میمار وقت برو از کرده
و در همین واحد وقت مل چنین کارهای بود که
را ای ایکسپریز که برای ای ای ای ای ای ای ای
گذشگان ماعجمود میشوند که سده‌های تقدیمه
جناب نمایند
اگرچه در حیات عالم بعضی تقسیمات
کوچک و اکثراً محدود نیستند اما در صنایع و امور
حریمی در تقسیمات کوچک وقت بسی کارها
نظامی یافته اند
سرعت سیر مردم آلات زاده فخری
مقیاس یکهزار مسنه تابه سنجش میشود
درین مدت گوئام یکه قطایل بازیاب خود را
الاویا چنین می‌کنند و درین قدر مدت بروانه
طایران نم دور زد و خود طیاره ۲۰۰ ساعتی متر
رو از کرده ۴۰۰ متری متراجر کت گرده
۳۰۰ کیلو متر دور زده و روشنی
میتواند بیش از یک و با یک کیلومتر کام بزند و مخلف
و پیمانه ای ۱۱۰ کلمه بجهیر گردیده بتواند
قلل انسان چیزی بیشتر از یک دقیقه ضرب
مودرا ای ای ای نکند فرمیدن یکه که ای ای ای ای
زای ای ای ای یک مدت خلیلی گوئام میباشد
زینین حدت خلیلی گوئام تورین یعنی سریع البصر
که دو سده بیرون می‌زند پر نیمه های تیر فخری
پن قدر مدت تاییم متر یک بار چند هزار ای ای
جد ای ایکسپریز، ای ای ای ای ای ای ای ای ای
یا جاگ کردن تا وایس بالا رفتن همین چنین
قطع چندین هزار مسنه تابه را در پر میگردند
عکس گیری حرکات سیوری که بادقت
یکه که ای
زیانی چندینه ایکت کرده که همچنانه ماقبل
بیهده آن شیوه بودیم رسانیده بجهیر گرفت ای ای
اکه دو حالت دویسین بود دند طوری رسم
بیکر دند که چهار یاری آن در هوامی بود دادار
نقشت میدهند که دفعه است که در قدر ای

اوس سر که شنیده ای جنگ اخیر دنیا
خسته آسمه علیه بی رحمه و بی رحیم
این جنگ عجیب
(۱۲)

اینک درین چال راهی نهستم - یك قوماندان بینجا حضور دارد - یا من داخل
نشود، «خوب - چنان قوماندان ، مادر کجیل هستم»، ببر مشود آن بیر مشود است
نکل (حالله) آنها را متوجه می‌ازم ، و ظاهر شاهنامه باید آنها بروید ، و اگر از
نکهای یک الان گذشتند یك مسکوکدم بش خود قایم نمایم . قسمت هفتم آنها را زیر
واهم گرفت . حضور میکنم که لحظه بد گذشته است .

